مراسم احیاء 23 رمضان سال 1421هـ.ق

 اسرار شب قدر و برگزاری مراسم احیاء

سخنران: حضرت آیة اللَه حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی رضوان الله علیه

بِسمِ اللَه الرَّحمَنِ الرَّحیم‌

اللَهمّ كُنْ لِوَلِیكَ الحُجَهِ بنِ الحَسَن صَلَواتُكَ علَیهِ و عَلی آبائِهِ فِی هَذِهِ السّاعَهِ وَ فِی كُلّ سَاعَهٍ وَلِیاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَدَلِیلًا وَ عَیناً حَتّی تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتعَهُ فِیهَا طَوِیلا

اللَهمَّ امْدُدْ لِی فِی عُمُرِی وَ أَوْسِعْ لِی فِی رِزْقِی وَ أَصِحَّ لِی جِسْمِی وَ بَلِّغْنِی أَمَلِی وَ إِنْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِیاءِ فَامْحُنِی مِنَ الْأَشْقِیاءِ وَ اكْتُبْنِی مِنَ السُّعَدَاءِ فَإِنَّكَ قُلْتَ فِی كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَی نَبِیكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَیهِ وَ آلِهِ یمْحُو اللَه مَا یشَاءُ وَ یثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ‌

أعوذُ بِاللَه مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیم‌

بِسمِ اللَه الرَّحمَنِ الرَّحیم‌

الحَمدُ لِلّه حَمداً أبدیاً بأزلیتِه، هو أزلیاً بِأبَدِیتِهِ، سرمَداً فی إطلاقِهِ، مُتجَلّیاً مَرایا آیاته، ثم الصلاة و السلام علی البشیر النذیر و السراج المنیر، أبِ الأكوان بفاعِلیة و أمّ الإمكان بقابلیة، الرسول النّبی الأمّی الطّحامّی القرشی، صاحب لواء الحمد و المقام المحمود، أبی‌القاسم مُحَمّدٍ الحمید المحمود و علی آله الطّیبین الطّاهرین المصومین المكرمین، و اللعنة عَلَی أعدائِهِم أجمَعینَ الی یوم الدین‌

قال اللَه تعالی فی كتابه:

بِسْمِ اللَه الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‌

وَ الْكِتابِ الْمُبِينِ\* إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةٍ مُبارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ\* إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ‌ الدخان، ٢ الی ٥

جهت تعجیل در ظهور امام زمان علیه‌السلام، ظهور باطن و ظاهر صلواتی ختم كنید.

در این آیات شریفه كیفیت نزول امر پروردگار از مراتب اسماء و صفات و عالم مشیت و اراده ازلی به عوالم وجود و تعینات امكانی بیان شده است. تِلْكَ آياتُ الْكِتابِ الْمُبِينِ‌ این آیات آیات قرآن، آیات كتابی است آشكار كننده و بیان‌كننده، بیان‌كننده واقع، بیان‌كننده مصالح انسان، بیان‌كننده حقایق عالم هستی و عالم وجود.

ما این كتاب را در شب مباركی فرو فرستادیم‌، إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةٍ مُبارَكَةٍ این كتاب را در شب مباركی ما فرو فرستادیم.

فِيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ‌ در این شب مبارك تمام امور جدا جدا و مفصل، محكم و استوار بر عالم وجود فرو فرستاده می‌شوند.

أَمْراً مِنْ عِنْدِنا این امور از جانب ماست و از طرف ماست كه در عالم وجود گسترش پیدا می‌كند و تفریع می‌شود و تقسیم می‌شود و تفصیل پیدا می‌كند و از مقام اجمال به منصه ظهور و بروز در می‌آید.

هر چه كه در عالم وجود صورت موجودیت و هویت خارجی به خود می‌گیرد، این شی‌ء مظهریت یك اسم یا یك صفت از اسماء و صفات پروردگار را واجد است. زیرا خدای متعال به واسطه اسماء كلیه و صفات كلیه در عالم اعیان و در عالم ماهیات به بروز و ظهور می‌پردازد. اگر در این عالم ما علمی را می‌بینیم در فنون مختلف، این علم یا این علوم نزول اسم كلی علم پروردگار است؛ اگر ما در عالم قدرتی می‌بینیم به جمیع انواع و انحاء، نزول اسم كلی قدیر است كه به صور مختلف برای وجودات مختلف بروز و ظهور پیدا می‌كند. اگر در این عالم و سایر عوالم وجودی، ما حیات و استمرار بقاء را مشاهده می‌كنیم، به واسطه نزول اسم كلی حی است كه تراوشات آن اسم حی، به صورت حیات موجودات در این عالم تحقق پیدا می‌كند.

تمام این حوادثی كه از ناحیه مبدأ عِلّی و آن مبدأ اعلی در این عالم، وجود پیدا كرده است و پیدا می‌كند و پیدا خواهد كرد، در علم پروردگار به صورت علم حضوری وجود عینی و هویت خارجی داشتند. یعنی قبل از اینكه ما پا به عرصه وجود بگذاریم و در عالم شهادت و عالم مُلك كه همین عالم ماده است به منصه ظهور برسیم، در علم پروردگار ما وجود عینی داشتیم. تصوّر نشود كه حقیقت وجود علمی پروردگار و وجود عینی، همان وجود علمی است كه ما در نفوس خود نسبت به اشیاء داریم. این نحوه از وجود و تصوّر، فقط صورت علمی اشیاء است كه حكایت از صورت خارجی می‌كند؛ اما خود وجود خارجی اشیاء دیگر در نفوس ما نیست. اشیاء برای خودشان وجود مستقل دارند، صورتی از آن هویت خارجی در ذهن و در نفس ما نقش می‌بندد.

اما در مورد پروردگار این‌طور نیست، در مورد پروردگار مسأله فرق می‌كند. حقایق عالم وجود با تمام مراتبی كه دارد قبل از تعین خارجی آنها به صورت جنبه تعلّقی و جنبه ربطی و به عنوان جنبه عِلّی، وجود اصلی داشته است و آنچه را كه در عالم اعیان و در عالم خارج ما مشاهده می‌كنیم وجود ظلّی و وجود تبعی است. به عبارت دیگر حقیقت اشیاء، حقیقت وجودات خود ما و حقیقت آن اعمالی را كه ما انجام می‌دهیم، حتی صحبتی كه می‌كنیم، آن پلك چشمی كه به هم می‌زنیم، آن خاطراتی كه در تصور ما و در نفس ما هر روز در حال آمد و شد است، تمام اینها در علم پروردگار وجود علّی دارد، یعنی وجودش حتی از همین وجودی كه ما داریم الان می‌بینیم قوی‌تر است.

چطور اینكه الان در اینجا ما وجود خود را احساس می‌كنیم و كسی نمی‌تواند انكار كند و چطور

ما در عالم خارج اعمال خود را مشاهده می‌كنیم و هیچ جای انكاری برای اینها باقی نمی‌ماند، همین‌طور این اعمال ما و این كردار ما در علم پروردگار از این نحوه‌ای كه الان ما مشاهده می‌كنیم حتی قوی‌تر است، نه این‌كه فقط یك صورت است، نه این‌كه فقط یك خطوط است، نه این‌كه فقط یك تصور است، بلكه نفس پدیده‌های خارجی و نفس اعمال خارجی در علم پروردگار وجود دارد.

منتهی از آن‌جایی كه در آن عالم زمان و مكان راه ندارد و جهات ربوبی و مراتب ربوبی مافوق زمان و مكان است، جنبه زمانی بودن و مكانی بودن اشیائی كه باید در زمان و مكان تحقق پیدا كنند، نیاز به تدریج و استمرار نزول آن فیض دارد. یعنی اگر فرض كنید یك شخص باید در ده سال دیگر و چند ماه و چند روز و چند ساعت دیگر در این عالم خارج پا به عرصه وجود بگذارد الان آن شخص واقعا موجود است، الان آن شخص واقعا صورت خارجی دارد نه صورت مادی، بلكه صورت خارجی عینی، حقیقت او الان وجود دارد، منتهی هنوز به مرتبه بروز و ظهور نیامده است.

درست مثل سخنانی كه در یك نواری ضبط شود، الان در این نوار، نوار یك ساعت، یك ساعت صحبت ضبط شده، یك ساعت مطلب در این نوار گنجانده شده؛ اما برای اینكه ما بتوانیم این نوار را بشنویم و از صحبت‌هایی كه در این نوار گفته شده مطلع شویم باید او را در دستگاهی قرار بدهیم و آن دستگاه شروع به گردش كند، كلمه اول، كلمه دوم، كلمه سوم، پس از كلمه اول و همین‌طور به صورت تدریج باید این نوار گردش كند تا آن مطالب به گوش ما برسد. امكان ندارد شما این نوار را در دستگاه قرار بدهید و یك مرتبه تمام آن مطالب دفعتاً مّا به گوش شما بخورد. چرا؟ چون هم آن نوار برای بیان مطلب احتیاج به زمان دارد و هم گوش ما برای استماع مطالب آن نوار احتیاج به زمان دارد. درست شد؟

اما اگر وسیله‌ای باشد كه آن وسیله بتواند در یك لحظه تمام مطالبی كه در نوار است منتقل كند، از تحت این قاعده خارج می‌شود و آن وسیله دیگر مافوق زمان است، البته به عنوان مثال من عرض كردم. دستگاهی باشد كه آن دستگاه یك مرتبه یك ساعت مطلب را منتقل كند به یك دستگاه دیگر، یك ساعت مطلب را در یك لحظه منتقل كند به نوار دیگر، آن از تحت این قاعده بیرون می‌آید. حال اگر ما توانستیم با دید دیگری و با اشراف دیگری بر مطالبی كه در این نوار است اطلاع پیدا كنیم، آنگاه از تحت قانون و قوانین ماده و صورت و زمان و مكان خارج می‌شویم. درست شد؟

تمام آنچه كه در این عالم اتفاق می‌افتد مشمول همین قاعده است. یعنی صورِ اعیانی اشیاء و آن واقعیت اشیاء، آنها در علم ربوبی و علم پروردگار موجود است، برای وجود خارجی نیاز به زمان دارد. اما برای افرادی كه با چشم دیگر و با ادراك دیگر و با قلب و سرّ خود بر عوالم ملكوت اشراف و اطلاع‌

دارند دیگر برای آنها زمان و مكان مطرح نیست، آنها وقایع را می‌بینند همان‌طوری كه ما الان می‌بینیم؛ آنها حوادث را مشاهده می‌كنند همان‌طوری كه ما الان مشاهده می‌كنیم؛ آنها نسبت به گذشته و حال و آینده اشراف دارند همان‌طوری كه ما الان نسبت به وضع موجود اشراف داریم. چرا؟

چون آن دید با این دید تفاوت پیدا كرده است، آن بینش دیگر بینش زمانی و مكانی نیست، دیگر از آن بینش از گوش و چشم و حواس استفاده نمی‌شود. شما وقتی كه در خواب هستید آیا خودتان را در خواب می‌بینید یا نمی‌بینید؟ آیا با آن چشمی كه در خواب خودتان را می‌بینید همین چشمی است كه شب به روی هم می‌گذارید این‌طور نیست؛ آیا با آن گوشی كه در خواب می‌شنوید و مسائلی را احساس می‌كنید و دروغ هم نیست، مسائلی است كه واقعیت دارد برای همه ما شاید بارها اتفاق افتاده آیا آن گوش همین گوش است؟ این گوش كه كار نمی‌كند قدرتش بسیار ضعیف است، آیا صحبتی كه در خواب می‌كنید با همین زبان است این زبان كه بسته است. پس چطور ما فردا می‌گوییم من دیشب در خواب این را گفتم و آن را نگفتم، چرا نمی‌گوییم صورت من این را گفت ولی خود من نبودم. چرا؟

چون حقیقت خود و آن وجودِ خود در كالبد و قالب ماده قرار نمی‌گیرد، آن خودیتی كه از او خبر می‌دهیم، آن خودیت مافوق نزول او و تجسّد او در ماده و عالم مثال است، فلهذا می‌گوییم دیشب شما را در خواب دیدم آن شخص نمی‌گوید من كه در منزل خود خوابیده بودم، می‌گوییم شما را در خواب دیدم، نمی‌گوییم عكس شما را در خواب دیدم همان‌طوری كه عكس بر صفحه كاغذ نقش می‌بندد آیا در عالم خواب و در صور مثالی و برزخی این‌چنین است؟ نه خیر! عكس در صفحه كاغذ است. اما صورتی را كه ما در خواب می‌بینیم واقعیت آن شی‌ء خارجی است.

آن واقعیت دو صورت دارد، یك صورت مثالی دارد كه در عالم خواب به لباس مثال ممثل می‌شود، یك صورت مادی دارد كه در عالم ماده به صورت ماده ممثل می‌شود و ممكن است آن شخص و آن روح و آن انسان به صور مختلفی حتی در عالم مثال یا در عالم ماده ظهور و بروز پیدا كند و ماده را در تحت قانون و سیطره و ولایت خود قرار بدهد.

جابر بن یزید جعفی از اصحاب خاص و صاحب سرّ امام باقر علیه‌السلام و حضرت سجاد و امام صادق علیهما السلام بود. روزی در خدمت امام باقر علیه‌السلام نشسته بود، اصحاب آن حضرت در حضور امام باقر علیه‌السلام صحبت از مكارم اخلاق و بیانات شیوا و كلمات نصیحت‌آمیزی كه دیشب جابر با آنها كرده بود سخن به میان آوردند. دسته‌ای دیگر گفتند كه جابر دیشب در منزل ما بود، دسته دیگر گفتند در همان وقت ما در كنار جابر بودیم و داشت برای ما صحبت می‌كرد. مشخص شد ایشان‌

در آن واحد در چند جا حضور عینی داشته و با همه افراد صحبت می‌كرده است. امام باقر علیه‌السلام رو می‌كنند به جابر و او را از ادامه این كارها نهی می‌كنند. این برای چیست؟

روح می‌تواند وجود نازله خود را در ماده خارجی مجسّد و مجسّم كند، همان‌طوری كه روح در یك قالب نمی‌گنجد، مافوق قالب و صور مثالی تحقق خارجی دارد، همین‌طور یك جنبه ملكوتی دارد كه آن جنبه ملكوتی او مافوق صورت است. بلكه با عبارتی دقیق‌تر مافوق معناست و آیه شریفه كه می‌فرماید و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي‌، حكایت از نقطه ظریفی می‌كند كه آن وجود پروردگار كه مافوق صورت و ماده و ما فوق معناست، بلكه آن وجود بسیط كه تمام صور و مواد و جلوه‌های مختلفه وجودی را در خود دارد روح انسان از آن حقیقت بروز و ظهور پیدا كرده است.

بنابراین حقیقت انسان و همین‌طور سایر حقایق بر ماده و مدت، سبقت رتبی دارند، سبقت طبعی دارند. آنچه را كه ما در عالم خارج مشاهده می‌كنیم در علم ربوبی وجود داشته است. من باب مثال عرض می‌كنم فرض كنید كه در روایات آمده است در شب اول قبر، نماز شب اول قبر موجب سهولت امر مومن در سوال و جوابی است كه باید به نكیر و منكر بدهد. خب حالا فرض كنید كه من باب مثال اگر یك شخصی از دنیا برود و او را دفن كنند، چرا داریم اگر دو شب بعد سه شب بعد، حتی هفته بعد شخص مطلع بشود و نماز لیلة الدفن بخواند، این نماز لیلة الدفن برای او مفید خواهد افتاد. چرا؟ با اینكه این نماز در شب لیلة الدفن صورت خارجی پیدا نكرده است.

جهت قضیه این است كه در عالم معنا و در عالم مثال زمان راه ندارد. این نمازی كه این مومن یك هفته، یك ماه، یك سال بعد از فوت آن مومن می‌خواند وجود خارجی این نماز در عالم ملكوت و در عالم برزخ و مثال متعین و محقّق بوده است، پس چه فرق می‌كند كه انسان در شب لیلة الدفن نماز بخواند یا اینكه مطلع شود و بعد یك سال برای آن متوفی نماز بخواند. به اندازه سر سوزنی در تاثیر این نماز نسبت به آن گشایشی كه برای آن متوفی انجام می‌شود، تفاوت ندارد. آن عالم عالم زمان نیست و صور ملائكه و پرداختن به سوال و جواب، نكیر و منكر در زمان و زمانیات قرار ندارد. لذا در شب اول حتی اگر متوفی را دفن نكنند، مشمول سوال و جواب نكیر و منكر خواهد شد. چون در آن شب اول مسأله مسأله گذشت یك شب برزخی است، نه مسأله گذشت شب زمانی خارجی است. در شب برزخی دیگر ماه و خورشید و ستاره و زمین و سیارات راه ندارند.

و از این‌جا ما متوجه می‌شویم كلامی را كه مرحوم آقا رضوان اللَه علیه در كتاب روح مجرد ذكر كردند كه وقتی مرحوم حداد برای زیارت قبر مرحوم شیخ محمد بهاری بر سر مزار ایشان رفته بود،

جمله‌ای را به مرحوم آقا فرمودند و آن این بود: من شنیده بودم مرحوم شیخ محمد جواد انصاری برای تشرف و استفاده از روحانیت مرقد منوّر مرحوم شیخ محمد بهاری زیاد به اینجا رفت و آمد می‌كند، اكنون حقیقت این مسئله برایم منكشف شد، اكنون واقعیت این قضیه برای من آشنا شد، امروز كه ما در اینجا آمده‌ایم مسأله برای ما مشخص می‌شود، چرا؟ چون این وجودی كه در خارج صورت خارجی پیدا كرده است آن حقیقت علمی او و آن حقیقت عِلّی او كه جنبه علت دارد به نسبت به زمانیات و به نسبت به این صورت خارجی آن قبلا وجود داشته و چون استفاده نفس از انوار این بقعه مباركه استفاده برزخی و مثالی و ملكوتی است و هیچ‌گونه ارتباطی با زمان و زمانیات در عالم خارج ندارد.

لذا در این‌جا آن شخص بزرگ در ارتباط با استفاده از این انوار در این‌جا رفت و آمد می‌كرده و تصور می‌نموده است كه این بركات و این انوار، البته بركات مضاعف نه اینكه خود قبر مرحوم شیخ محمد بهاری رضوان اللَه علیه موجب بركات و اینها نبوده است. بسیار ایشان مرد بزرگی است از اولیاء خداست و آثار جلال و عظمت و بهاء و روحانیت و نورانیت از آن مزار به خوبی مشهود است. اما آن جهات زائد بر این مسأله به واسطه قدوم ولی دیگری است كه شاید از نقطه نظر سعه وجودی و از نقطه نظر وسعت در جذب و اظهار و ابراز انوار ربوبی از ایشان قوی‌تر بوده است. درست شد؟

این حقیقت وجود خارجی اشیاء است و كیفیت ثبوت او قبل از خلقت اشیاء. در آیه شریفه می‌فرماید ما این قرآن را در شب مباركی نازل كردیم، آن شب چه شبی است؟ آن امشب است! شبی كه فی لیلة المباركة، در شب مبارك ما قرآن را دفعتا بر قلب پیغمبر نازل كردیم. نه این است كه در همان شب این قرآن را خلق كردیم و قبلا این قرآن وجود نداشت. این قرآن در علم ربوبی وجود داشت اگر این قرآن وجود نداشت پس از چه رو أمیرالمؤمنین علیه‌السلام هنگام تولد وقتی كه قنداقه آن حضرت را به دست پیغمبر اكرم دادند شروع كرد حضرت به خواندن قرآن و سوره مومنین را برای پیغمبر خواند:

بسم اللَه الرحمن الرحیم‌

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ\* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ\* وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ‌ المؤمنون، ١ الی ٣ الی آخر تا حدودی از سوره را خواند. اگر قرآن در این شب قدر، خلق الساعه شده بود أمیرالمؤمنین علیه‌السلام این سوره را از كجا خواند؟ اگر این قرآن خلق الساعه شده بود، پس چطور پیغمبر نسبت به صور این قرآن اطلاع داشت؟ از كجا؟ اگر این قرآن بر قلب پیغمبر نازل شده بود، چطور قبل از اینكه امام زمان علیه‌السلام كه امشب متعلق به آن حضرت است وقتی كه از شكم مادر خود حضرت نرجس خاتون متولد می‌شود سر به سجده می‌گذارد و آن آیه‌ای كه مربوط به ظهور آن حضرت است‌ وَ نُرِيدُ أَنْ‌

نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ‌ القصص، ٥، از كجا خواند؟ آن طفلی كه تازه به دنیا آمده، او هنوز قرائت نمی‌داند، او هنوز از دور و بر خودش اطلاعی ندارد، او هنوز كسب معلومات نكرده است!

این آیه‌ای كه امام زمان علیه‌السلام قرائت می‌كند از چه مرتبه‌ای این آیه را تلقی می‌كند؟ از چه مرحله‌ای و با اتصال به چه مرتبه‌ای، اطلاع بر این آیه پیدا می‌كند؟ این غیر از این است كه این صورت خارجی این قرآن یك صورت عینی در علم الهی حق دارد، در آنجا تمام اشیاء صورت دارند، حالا بعضی‌ها اطلاع پیدا می‌كنند متوجه می‌شوند؛ بعضی‌ها مثل ما اطلاع پیدا نمی‌كنند، برای تحقق خارجی آنها احتیاج به مرور زمان و گذشت زمان و تبدل مكان است.

علی كل حال این قرآن همان‌طوری كه وجودش بر پیغمبر اكرم وجود تدریجی بوده، یك وجودی هم داشته كه آن وجود وجود دفعی بوده است. آن وجود دفعی كه یك مرتبه [نازل شده است‌] آن وجود خارج از زمان و مكان است؛ آن وجود تدریجی حكم آن نواری را دارد كه از اولش سوره علق است است، بسم اللَه الرحمن الرحیم، اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ\* خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ‌ العلق، ١ و ٢ در غار حراء از اول شروع می‌شود و در مدینه در روزهای آخر حیات پیغمبر اكرم آن نوار دیگر تمام می‌شود، این وجود وجود تدریجی است. اما یك وجودی دارد كه تمام این نوار دفعه واحده و در یك لحظه در نفس پیغمبر قرار می‌گیرد و پیغمبر اكرم بر تمام این آیات اطلاع پیدا می‌كند، آن شب و آن لحظه همین شب بیست سوم است در امشب است كه قرآن یك مرتبه بر وجود پیغمبر اكرم نازل می‌شود.

فِيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ‌ از خصوصیات امشب چیست؟ امشب چه خواصی دارد؟ تمام امور چه در علم ربوبی در لوح تقدیر، در مقام قضا و قدر ثبت است، در امشب برای وجود خارجی تقدیر می‌شود، اندازه‌گیری می‌شود. فِيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ‌ هر امری كه حكیم است، شكی در آن نیست، استوار است، قابل زوال نیست، محكم است از حوادث خارجی و از اعمال خارجی، تمام آنها در امشب تفریق می‌شود جدا جدا می‌شود. علومی كه از امشب برای یك سال ما می‌خواهد بیاید، در این یك سال آینده چه مقدار از علم نصیب ما می‌شود، در این یك سال آینده چه مقدار از قدرت و توان در وجود ماست، در این یك سال آینده چقدر مرض متوجه ما می‌شود، صحت تا چه مقداری برای ماست؟ توان تا چه مقداری برای ماست؟ آیا در این یك سال آینده موت نصیب ما خواهد شد یا حیات استمرار پیدا می‌كند؟ قضایا و مسائلی كه برای ما در طول این یك سال است، تمام اینها در امشب می‌آید یعنی در لیلة القدر.

لیلة القدر هم برای این می‌گویند در شب اندازه‌گیری، در شب سنجش، در شب میزان، در شب توزین و در شب تقسیم، رزق ما در امشب چیست؟ پس امشب شب آسانی نیست، امشب را نباید سهل بگیریم، در امشب چه رزقی ما داریم از پروردگار. منظور از رزق نان و آب نیست، منظور رزق آن نصیبی است كه از این وجود برای ما تقدیر می‌شود منظور این است، این در امشب می‌آید.

یعنی طبق روایت امام صادق علیه‌السلام كه در تفسیر سوره قدر می‌فرمایند:

بسم اللَه الرحمن الرحیم:

إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ\* لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ\* تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ\* سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ القدر، ١ الی ٤

ما این قرآن را در شب قدر فرستادیم.

لَیلَةُ الْقَدْرِ خَیرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ امشب از هزار ماه برتری دارد هزار ماهی كه در آن شب قدر نباشد.

تَنَزَّلُ الْمَلائِكةُ وَ الرُّوحُ فِیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ روح و ملائكه از هر جهت امشب می‌آیند، ملائكه علم امشب می‌آیند در این عالم و علم امسال را بر آن وجودی كه حالا عرض می‌كنیم بعد، بر او عرضه می‌دارد؛ ملائكه قدرت امشب می‌آیند و آنچه‌را كه در عالم وجود از كرات، سیارات، كواكب، كهكشان‌ها، انسان، جماد، حیوان، ماده آنچه را كه برای استمرار حیات لازم است امشب می‌آورند، ملائكه حیات امشب می‌آورند، ملائكه رزق امشب می‌آورند.

سَلامٌ هِی حَتّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ سلام و رحمت پروردگار در امشب همین‌طور تنازل پیدا می‌كند تا هنگام طلوع سفیده صبح.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید كه در امشب تمام تقدیرات تا سال آینده رقم می‌خورد، ما از فردا چه خواهیم كرد از امشب تعیین می‌شود، چه مسائلی در پیش رو خواهیم داشت امشب تعیین می‌شود. درست شد؟

لذا حضرت می‌فرمایند خطاب به آن شخصی كه از آن حضرت سوال می‌كند كه یابن رسول اللَه ما در امشب چه كنیم؟ حضرت می‌فرمایند: وقتی كه من برای تو توضیح دادم خصوصیات امشب را دیگر خودت باید بدانی! هر مقدار كه در امشب به عبادت بپردازی و هر مقدار كه توسل داشته باشی و هر مقدار كه بین خودت و بین آن مبدأ صفا و خلوص برقرار كنی، به هر مقدار كه آن دل صاف باشد، ملائكه در نزول بر تقدیرات صاف‌تر و مستقیم‌تر نازل می‌كنند. متوجه شدید چه می‌خواهم عرض كنم؟ هر چه این دل صاف‌تر باشد از آن رزقی كه امشب باید برای سال آینده توشه گرفته شود این دل بیشتر بهره می‌گیرد.

شدیدا نهی شده است كه ما امشب را تا طلوع آفتاب بخوابیم! شدیدا نهی شده است كه در امشب غفلت متوجه شود! چون همان لحظه‌ای كه غفلت پیدا می‌شود شاید یكی از آن ملائكه‌ای كه یك جنبه از جهات وجودی را دارد می‌آورد آنجا به قلب غافل بخورد نه به قلب مستیقظ و بیدار. یك لحظه اگر غافل باشیم آن كیفیت نزول دستخوش نوسان می‌شود، دستخوش تشویش می‌شود. لذا حضرت می‌فرماید چقدر مناسب است كه در امشب بیدار باشیم.

سوال می‌كند از حضرت یابن رسول اللَه آیا شب بیست و یكم شب قدر است یا شب بیست و سوم؟ حضرت می‌فرماید در قبال آنچه كه من به تو گفتم چقدر كم است دو شب را احیا بگیری! ارزشی دارد؟ می‌گوید خبر آمده است كه از فلان جا ماه را دیدند و ما نمی‌دانیم كه آیا امشب شب قدر است یا نه؟ حضرت می‌فرماید چه اشكال دارد چهار شب را بیدار باش! آیا در قبال آن اهمیتی كه الان امشب برای تو دارد آیا چهار شب بیدار بودن مهم است؟ آیا چهار شب بیدار بودن صعب است، اشكال دارد؟ اینها برای چیست؟ برای این قضیه است.

بعد حضرت می‌فرمایند كه آن حكم بطّی كه از ناحیه پروردگار دارد نزول پیدا می‌كند آن حكم تقدیر و اندازه‌گیری‌اش در امشب قرار دارد، برای بنی آدم و افرادی كه هستند تقدیر می‌شود. ملائكه‌ای كه موكل بر آن علم هستند آن علم را می‌آورند و می‌خواهند با وجود مثالی و ملكوتی انسان كه در این بستر زمان در حال حركت است با او عجین كنند، مخلوط كنند، به عبارت دیگر سرنوشت او را در امشب به دستش بدهند.

خب چه مقدار از علم می‌خواهند نصیب كنند! نگاه می‌كنند ببینند امشب حالش چیست، امشب در چه وضعیتی قرار دارد حالش خوب بود نصیب را زیاد می‌كنند، حالش خوب نبود نصیب را كم می‌كنند. سلسله علت و معلول را در عالم اسباب و مسببات امشب تعیین می‌كنند. در سال آینده برای اینكه حوادث و مسائل انجام بگیرد احتیاج به علت و معلول است، احتیاج به سبب و مسببات است. مسائلی كه ما سال آینده در پیش داریم تمام اینها دستخوش سلسله علّیت است. كیفیت ترتیب این سلسله علّیت كه ما را به این نقطه مثبت برساند و از این نقطه منحرف دور كند در امشب اندازه‌گیری می‌شود. كه چطور حوادث در امسال پیش بیاید و ما را از این سمت به آن سمت ببرد، نگذارد پای ما در اینجا بلغزد، نگذارد ذهن ما متوجه این خطا شود، نگذارد در اینجا مرتكب این حرام شویم، نگذارد در اینجا این مسأله خطا برای ما اتفاق بیفتاد، این سلسله علّیت كه توجیه می‌كند ما را، راه ما را باز می‌كند، این سلسله علیت در امشب تقدیر می‌شود، برنامه‌ریزی در امشب است، امشب شب برنامه‌ریزی است.

روی این حساب آنچه كه برای ما مهم است این است كه متوجه باشیم كه امشب را چطور بگذرانیم، خیلی شب شب مهمی است. روایات عدیده داریم بر اینكه لیلة القدر شبی است كه نامه اعمال سنه و سال را ملائكه به امام زمان عصر عرضه می‌كنند. در هر زمانی امام زمان خاصی به خودش دارد، در زمان امیرالمؤمنین اعمال سنه، در زمان امام مجتبی علیه‌السلام اعمال آن سال و همین‌طور.

عبداللَه بن ابان زیات خدمت امام رضا علیه‌السلام می‌رسد، به حضرت عرضه می‌دارد یابن رسول اللَه: ادع لى و لاهل بيتى! برای من و اهل بیت من دعا كنید حضرت می‌فرماید: أو لست افعل؟ آیا من این كار را انجام نمی‌دهم از من درخواست می‌كنی أ و لا تعلم‌؟ نمی‌دانی إن اعمال العباد لتعرض علينا فى كل يوم و ليلة. اعمال جمیع بندگان در هر روز و در هر شب به ما عرضه می‌شود. می‌دانید چه حرفی است! یعنی امام رضا علیه‌السلام نشسته در هر لحظه‌ای بر جمیع عالم وجود احاطه دارد نه احاطه صوری، احاطه حضوری. آیا نمی‌دانی كه اعمال عباد در هر روز و شب بر ما عرضه می‌شود، ان اعمال العباد لتعرض علینا فی كل یوم و لیلة؟ این شخص خیلی عجیب می‌پندارد خیلی شگفت‌زده می‌شود، بزرگ می‌شمارد، تعجب می‌كند. حضرت می‌فرمایند: تعجب ندارد مگر در قرآن نخواندی، وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَه عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ‌ التوبة، ١٠٥ هر كاری می‌خواهید انجام بدهید خدا و رسول و مومنون كارهای شما را می‌بینند، مقصود از مومنون كه هستند؟ حضرت می‌فرمایند: علی بن أبی‌طالب أمیرالمؤمنین.[[1]](#footnote-1)

امیرالمؤمنین علیه‌السلام و اولاد او این افرادی هستند كه تمام اعمال ما را مشاهده می‌كنند. لذا امشب شب امام زمان علیه‌السلام است. و توسل به امام زمان علیه‌السلام در امشب از همه چیز كارسازتر است. تمام آن اموری كه در عالم باید اتفاق بیفتاد از دریچه نفس امام زمان اتفاق می‌افتد.

الان یك قضیه‌ای به یادم آمد مرحوم آقا رضوان اللَه علیه دوستی داشتند بسیار مردم صالح و عابدی بود، صاحب همین مطبعه اسلامی به نام مرحوم سید محمد كتابچی، از دوستان سابق مرحوم آقا بود. از اخیار بود، از صلحا بود و واقعا از متقین بود و به قول عبارت مرحوم آقا از افراد نازنین بود. این شخص مریض می‌شود او را به بیمارستان می‌برند و بستری می‌كنند، زن او و فرزندان او دور و بر او

هستند یك مرتبه مشاهده می‌كنند حال او وخیم می‌شود، مطالبی را كه عرض می‌كنم این مطالب را خود ایشان در نوار ضبط كرده و برای مرحوم آقا فرستاده بود.

می‌گوید دیدم زن و بچه من اینجا نسبت به حال من نگران هستند. دكتر آمده و دیگر قطع امید كرده و به آنها می‌گوید دیگر كاری از دست من برنمی‌آید. می‌گفت: در یك لحظه احساس كردم دیگر من به این بدن تعلق ندارم، حركت كردم سقف بیمارستان كنار رفت و من از سقف گذشتم و پرواز كردم. صدای ناله و گریه زن و بچه من از اتاق بلند شد، پرستارها آمدند دكترها آمدند گفتند دیگر كار تمام است، همین‌طور من را عبور دادند عبور دادند به آسمان اول رسیدم در آنجا ملائكه را دیدم از من استقبال كردند، به آسمان دوم رسیدم همین‌طور تا رفتم رسیدم به آسمان چهارم یا آسمان پنجم نمی‌دانم، به آنجا كه رسیدم دیدم ائمه علیهم‌السلام همه حضور دارند، پیغمبر اكرم حضور دارد، ائمه حضور دارند، حضرت فاطمه زهرا سلام اللَه علیها حضور دارد، من آمدم در كنار آنها نشستم، پیغمبر مرا در آغوش گرفتند سید بود فرزندم خوش آمدی، همه احترام كردند! همه مرا بوسیدند! من از این حالتی كه پیدا شد چنان به وجد آمده بودم كه اصلا سر از پا نمی‌شناختم خدایا من بیمارستان بودم اینجا كجاست، ما در كجا بودیم حالا در كجا هستیم. در این موقع یك نامه‌ای آمد ملائكه آمدند یك نامه را دادند به دست پیغمبر اكرم و گفتند این نامه را شما باید امضا كنید. این نامه نامه خروج بود این نامه جواز خروج او بوده از این عالم به آن عالم. پیغمبر نامه را امضا می‌كنند می‌دهند به دست امیرالمؤمنین امضا می‌كنند تمام ائمه علیهم‌السلام نامه را امضا می‌كنند خودم نمی‌خواستم بیایم، خودم نمی‌خواستم دوباره برگردم، تا می‌رسد به دست امام زمان علیه‌السلام همین كه حضرت یك نگاهی به نامه می‌كنند می‌فرمایند من این نامه را امضا نمی‌كنم، چرا امضا نمی‌كنی؟ رو می‌كنند به پیغمبر و عرضه می‌دارند كه الان عیال او متوسل به ما شده و برای شفای این متوسل به ما شده، من نمی‌توانم حاجت او را رد كنم. آن نامه را برمی‌گردانند و می‌دهند دست ملائكه و آن ملائكه دوباره من را پایین می‌آورند.

می‌گفت: یك مرتبه احساس كردم كه در بیمارستان هستم و بلند شدم نشستم، یك مرتبه صدا بلند شد از اطرافیان آمدند دكترها، چه شده؟ معجزه شده این كه فوت كرده بود. بعد من شروع كردم به پرخاش كردن به عیالم، چرا من را جدا كردی، چرا من را از آن سعادت چه كردی؟! اینها واقعیات است، اینها حقائقی است كه برای ما بیان كردند، اینها می‌روند می‌بینند می‌آیند منطبق با آنچه را كه ما شنیدیم، اینها منطبق است.

امشب شب امام زمان علیه‌السلام است. چه دعایی باید امشب بكنیم، وقت گذشته است، مطلب‌

خیلی می‌خواستم بگویم، چه دعایی باید بكنیم؟ دعا برای وجود آن حضرت اولا و بعد برای اختتام به خیر، حال ما به خیر تمام بشود، عاقبت امر ما خیر باشد! اللَهم اجعل عواقب امورنا خيرا، این واقعا دعای اختتام به خیر دعا دعای مهمی است! خدایا ما را و راه ما را آنچنان قرار بده كه هر وقت به ما گفتند بفرمایید دیگر معطل نشویم، دیگر صبر نكنیم، همیشه آماده باشیم، همیشه حاضر باشیم، اصلا خودمان پیشاپیش حركت كنیم، چه بسیار افرادی بودند در اول صالح بودند و بعد در آخر به مشكلات افتادند، همین عبدالرحمان بن معجم مرادی كه این مصیبت را بر عالم حقیقت، بر عالم واقع، بر عالم نفس الامر، وارد كرد و تمام عالم را عزادار نمود این عبدالرحمان كه بود؟ آیا اول هم همین‌طور بود؟

در تاریخ داریم در زمان عثمان یك شخصی را برای حكومت یمن می‌فرستد به نام حبیب بن منتخب، آن شخص می‌رود و تا آخر حكومت عثمان هم باقی می‌ماند. أمیرالمؤمنین علیه‌السلام، پس از كشته شدن عثمان او را بر همان جا ابقا می‌كنند، مرد خوبی بود، نامه أمیرالمؤمنین به او می‌رسد می‌بوسد و بر چشمش می‌گذارد می‌رود بالای منبر و خبر قتل عثمان را به گوش مردم می‌رساند و از آنها برای خلافت أمیرالمؤمنین بیعت می‌گیرد. مردم ده نفر را از میان خود به عنوان بیعت با أمیرالمؤمنین علیه‌السلام برمی‌گزینند و به سمت مدینه روانه می‌كنند. رئیس اینها عبدالرحمان ملجم مرادی بود، از اتقیا خودشان و از ازكیاء خودشان و از عالمان خودشان حركت می‌كنند، این ده نفر می‌آیند در اینجا و بر أمیرالمؤمنین علیه‌السلام وارد می‌شوند. هر كدام از اینها شروع می‌كند حمد و ثنا كردن، در آخر كه نوبت به ابن ملجم می‌رسد بلند می‌كند شروع می‌كند حضرت را به اوصاف، به كمالات، السلام عليك ايها الامام العادل، السلام عليك ايها البدر تمام، السلام عليك ... شروع می‌كند به گفتن، اوصاف آن حضرت را می‌شمارد، بیانات آن حضرت، حضرت خیلی او را تحسین می‌كنند، خیلی! بعد می‌گوید خب اسمت چیست؟ عرض می‌كند اسم من عبدالرحمان است، حضرت می‌فرمایند كه پدرت كیست؟ می‌گوید: ملجم مرادی! حضرت می‌فرمایند مرادی تو هستی؟ می‌گوید بله! اینجا حضرت می‌فرمایند: انا لله و انا اليه راجعون و لا حول و لا قوه الا باللَه العلى العظيم. همه تعجب می‌كنند چه شد! حضرت اسم مرادی را می‌شنود استرجاع می‌كند، انا للّه می‌گوید. این چرا این‌طور شد؟ چرا باید این‌طور بشود؟

اینها همه‌اش به خاطر غفلت است. بعد حضرت می‌فرماید اريد حياته و يريد قتلى‌! من زندگی این را می‌خواهم اما این به دنبال كشتن من است. حركت می‌كنند و اینها می‌روند حضرت صدا می‌زند او را و می‌گوید دوباره بیا، می‌آید حضرت می‌فرمایند با من بیعت كن بیعت می‌كند، می‌رود دوبار حضرت‌

صدا می‌زند، شك می‌كند می‌گوید یا علی! چرا با من این‌طور می‌كنی؟ حضرت می‌فرمایند عن قریب خواهی دید كه چه مصیبتی تو بر عالم به وجود خواهی آورد.

امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید: وقتی كه ابن ملجم پدرم را ضربت زد حال پدرم وخیم شد، ساعات آخر حیات پدرم بود، حالش سنگین شد، همه ما را جمع كرد و وصیتی كرد آن حضرت كه در نهج البلاغه موجود است، آن‌گاه خطاب كرد به من و فرمود یا حسن! وقتی كه جان از بدنم مفارقت كرد مرا غسل بده و حنوط كن با همان حنوطی كه جدت رسول خدا را حنوط كردی و جبرئیل آن حنوط را از بهشت برای پیغمبر آورده بود. و مرا در كفن بگذار و جنازه مرا بردار، جلوی جنازه را جبرائیل و میكائیل برمی‌دارند و شما عقب جنازه را بردارید و حركت كنید و هر جا جنازه به زمین فرود آمد در آنجا شما هم به زمین بگذارید. آن‌جا را حفر كنید به لحدی برخورد می‌كنید لحدی آماده، لحدی كه پدرم حضرت نوح هفتصد سال قبل از طوفان برای من این قبر را كنده بود و این لحد را آماده كرده بود. بعد نگاه كنید مرا در لحد بگذارید و خشت‌ها را در كنار هم قرار دهید آن‌گاه یك خشت را بردارید و مرا نخواهید دید. من به جدت و برادرم رسول خدا ملحق شدم.

خداوند متعال قسم یاد نموده است كه اگر هر نبی در هر نقطه‌ای از عالم كه باشد، وصی او را در هر نقطه‌ای كه هست بعد از وفات او روح و بدنش را به هم ملحق و جمع می‌كند و آنگاه پس از مدتی دوباره آنها را به جای خود برمی‌گرداند.

امام مجتبی علیه‌السلام می‌گوید پدرم به رحمت خدا رفت! ما بدن آن حضرت را برداشتیم و غسل كردیم. محمد حنفیه می‌گوید به خدا قسم دیدم كه امام حسین علیه‌السلام آب می‌ریخت و امام حسن بدن آن حضرت را غسل می‌داد و این بدن خود به خود به این طرف و آن‌طرف گردش می‌نمود و حركت می‌كرد. امام مجتبی علیه‌السلام فرمود: ای خواهرم زینب! آن حنوطی كه از جدت رسول خدا و مادرت فاطمه زهرا باقی مانده آن را بیاور. وقتی كه آن حنوط را باز كردند تمام كوفه از بوی آن حنوط و كافور معطر شده بود. أمیرالمؤمنین علیه‌السلام را كفن كردند و در سریر گذاشتند و نیمه‌های شب به اتفاق جمعی از اصحاب خاص و سرّ حركت كردند، جلوی جنازه خودش حركت می‌كرد، اینها پشت او را گرفته بودند. محمد حنفیه می‌گوید به خدا قسم بدن پدرم از هر درختی و از هر عمارتی و از هر دیواری عبور نكرد الا اینكه او در مقام خضوع خم شد و به تواضع و خشوع در قبال أمیرالمؤمنین علیه‌السلام پرداخت.

جنازه را آوردند تا در همین مكان فعلی بر زمین گذاشتند، قبر را حفر كردند و مطابق آنچه كه‌

أمیرالمؤمنین علیه‌السلام فرموده بود لوحی در آن قبر یافتند كه در آن لوح به زبان سریانی نوشته شده بود: بسم اللَه الرحمن الرحيم هذا قبر على بن أبى‌طالب وصى رسول اللَه صلى اللَه عليه و آله الذى حفره نوح النبى بسبع مائه عاما من قبل طوفان‌ این قبری است برای علی بن أبی‌طالب أمیرالمؤمنین و وصی پیغمبر آخر الزمان، كه نوح نبی هفتصد سال قبل از طوفان برای او آماده كرده است. بدن آن حضرت را در قبر گذاشتند طبق فرموده آن حضرت لحد را قرار دادند امام مجتبی علیه‌السلام یك لحد از آنها برداشت یك خشت برداشت، دید أمیرالمؤمنین علیه‌السلام در قبر نیست، پس از مدتی دوباره دیدند آن حضرت در قبر قرار دارد.

در این هنگام امام مجتبی علیه‌السلام طبق وصیت آن حضرت نماز خواند، بعد از نماز نگاه كرد به قبر آن حضرت قبل از این‌كه خاك‌ها را به روی قبر بریزد، دید پارچه‌ای از سندس سبز بر آن بدن حضرت انداختند. بالای آن پارچه را بالا زد قسمت سر را بالا زد، دید پیغمبر اكرم نشسته‌اند حضرت آدم و حضرت ابراهیم خلیل علیه‌السلام با آن حضرت صحبت می‌كنند. امام حسین علیه‌السلام قسمت پایین را بالا زد، دید مادرش فاطمه زهرا سلام اللَه علیها و حضرت حوا و آسیه و مریم بر آن حضرت نوحه‌سرایی می‌كنند، خاك‌ها را بر قبر ریختند.

صعصعه بن صوحان از اصحاب أمیرالمؤمنین علیه‌السلام مشتی از خاك برداشت و بر سر خود ریخت و عرضه داشت یا أمیرالمؤمنین گوارا باد بر تو نعمت‌های الهی! قسم به خدا كه پاك بودی و مولدت پاك بود و در راه خدا جهاد كردی و صبرت قدیم بود.

آن‌گاه خطاب به امام مجتبی علیه‌السلام و سید الشهدا و سایر فرزندان می‌كند و آنها را بر این مصیبت عظمی تسلیت می‌دهد، حركت می‌كنند به سمت كوفه، در بعضی از تواریخ مذكور است هنگامی كه به ظهر كوفه می‌رسند در خرابه‌ای صدای ناله‌ای را می‌شنوند، به سمت آن ناله حركت می‌كنند می‌بینند پیرمردی نابینا نشسته است و دائما گریه می‌كند و با خود زمزمه می‌كند: ای كسی كه هر شب به سراغ من می‌آمدی و مرا مورد تلطف و ترحم خود قرار می‌دادی! چه شده است كه از من روی برگرداندی و دیگر به سراغ من نمی‌آیی؟! امام مجتبی علیه‌السلام می‌فرمایند ای پیرمرد چه می‌گویی؟ می‌گوید من هر شب در اینجا منتظر كسی بودم، او می‌آمد و برای من نان و خرما می‌آورد، و از احوال من تفقد می‌نمود. به او می‌گویند آیا آثار و خصوصیاتی سراغ داری؟ عرضه می‌دارد از خصوصیات او این بود كه هر وقت پا به این مكان می‌گذاشت من از تمام در و دیوار و ذرات و سنگ‌ریزه‌هایی كه در اینجا بود صدای تسبیح و تقدیس می‌شنیدم و همراه با آنها به تسبیح و تقدیس مشغول می‌شدم. امام‌

مجتبی علیه السلام او را تسلّی داد و تسلیت و فرمود: ای پیرمرد! او پدر ما بود كه سه شب قبل به دست تیغ ظلم دار فانی را وداع گفت.

الان ما در این‌جا حضور معنوی أمیرالمؤمنین علیه‌السلام را احساس می‌كنیم. امام علیه‌السلام قلب عالم وجود است، با تمام ذرات عالم در ارتباط است، مصیبت او مصیبت برای همه است.

ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌كند كه بعداز كشته أمیرالمؤمنین علیه‌السلام تا سه روز هر سنگی را از زمین برمی‌داشتند در زیر آن خون تازه بود و در بسیاری از نقاط من جمله بیت المقدس از آسمان خون می‌بارید، این واقعیت است. قلب عالم از عالم مُلك به عالم ملكوت رفته است، تمام وقایع را دستخوش تحوّل قرار داده است. مگر در شبی كه أمیرالمؤمنین علیه‌السلام را ضربت زدند نفرمودند كه جبرئیل میان زمین و آسمان فریاد می‌زد: تَهَدَّمَتْ وَاللَه أَرْكانُ الْهُدَى وَ انْطَمَسَتْ وَاللَه نُجُومُ السَّمَآءِ وَ أَعْلَامُ التُّقَى وَ انْفَصَمَتْ وَاللَه الْعُرْوَة الْوُثْقَى؛ قُتِلَ ابْنُ عَمِّ الْمُصْطَفَى، قُتِلَ الْوَصِىُّ الْمُجْتَبَى، قُتِلَ عَلِىٌّ الْمُرْتَضَى، قُتِلَ وَاللَه سَيدُ الاوْصِيآءِ؛ قَتَلَهُ أَشْقَى الاشْقِيآءِ.[[2]](#footnote-2) به خدا قسم اركان زمین و آسمان درهم ریخت‌ وعروه الوثقى الهى‌ از هم گسست، علی مرتضی را كشتند وقتله اشقى الاشقياء، اول ظالم، اول و آخر او را از این دنیا به آن دنیا رهسپار كرد. این حقیقت در همه عوالم وجود جریان دارد و همه به این مصیبت اطلاع دارند و از این مصیبت غمناك هستند.

بسیاری از افراد نقل كردند كه آن جریاناتی كه در شب بیست و یكم ماه مبارك رمضان اتفاق افتاده بود را مشاهده كردند و هنوز هم این حقایق وجود دارد و این مصیبت وجود دارد. چقدر خوب و زیبا مرحوم كمپانی رضوان اللَه علیه حالات این مصیبت را در ضمن اشعاری بیان می‌كند:

خُم گردونِ دون، لبریز خون است \*\*\* ‌به كام باده نوشان واژگون است‌

نصیب هر كه باشد قربش افزون \*\*\* ‌از این مینای غم جامی فزون است‌

حریف مجلس صهبای بی چون \*\*\* ‌قریب غصه بی چند و چون است‌

نه انجام است این جامِ بلا را \*\*\* كه از آغاز هستی تاكنون است‌

عجب رسمی است دوران فَلك را \*\*\* كه جور و دور او از حدّ برون است‌

مرا این نقش گوناگون گردون‌ \*\*\* به رنگارنگ محنت رهنمون است‌

هر آشوبی است در ملك شهادت‌ \*\*\* ز شور عالم غیب مصون است‌

اگر شوری ندارد عقل رهبرچرا \*\*\* سرگشته دشت جنون است؟

مگر بالا بلند رایت دین \*\*\* ‌ز تیغ ابن ملجم سرنگون است؟

ز خون، محراب و مسجد لاله‌گون است \*\*\* ‌أمیرالمؤمنین غرقاب خون است‌

چرا نبود رعیت را رعایت‌مگر \*\*\* رفت از میان شاه ولایت؟

چرا آشفته شد شمل حقیقت‌مگر \*\*\* حق را نگونسار است رایت؟

چرا از نو حرم بیت الصنم شد مگر \*\*\* ویران شد اركان هدایت؟

چرا اسلام می‌نالد ز غربت‌مگر \*\*\* رفتش ز سر ظلّ حمایت؟

چرا قرآن قرین سوز و ساز است‌مگر \*\*\* هر سوره شد محو و هر آیت؟

چرا سنت زند بر سینه و سرمگر \*\*\* از حادثی دارد روایت؟

چرا آیینه خورشید تیره است؟مگر \*\*\* از قصه‌ای دارد حكایت؟

چرا خونابه می‌بارد ز گردون‌مگر \*\*\* از غصه‌ای دارد شكایت؟

جهان بی‌جان ز قتل جان جانان‌فغان \*\*\* زین جور و داد از این جنایت‌

ز خون، محراب و مسجد لاله‌گون است‌ \*\*\* أمیرالمؤمنین غرقاب خون است‌

اللَهم صلی علی محمد و آل محمد

1. اصول كافى، ج ١، ص ٢٢٠ با اندكى اختلاف: قال: قلت للرضاعليه السلام: ادع الله لى و لأهل بيتى! فقال: أولست أفعل؟ والله إنّ أعمالكم لتعرض على فى كلّ يوم و ليلة. قال: فاستعظمت ذلك، فقال لى: أما تقرأ كتاب الله عزّوجلّ: وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ؟! قال: هو والله علىّ بن أبى‏طالب عليه‏السلام. [↑](#footnote-ref-1)
2. بحارالأنوار، ج‏٩ ، ص ٦٧١. [↑](#footnote-ref-2)